

حق چیست، مصادیق حق کدامند و چگونه می‌توان تابع حق بود؟

Mentazer Mentazer

تعریف حق چیست و چگونه می‌توان در راه حق گام برداشت؟

حق چیست؟ بعضی از واژه‌ها هستند که بسیار پرکاربردند، اما در عین حال تصور دقیقی از معنای آن‌ها وجود ندارد. یکی از این واژه‌ها «حق» است. ما در مکالمات روزمره زیاد از این کلمه استفاده می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم «حرف حق تلخ است»، «حق این نبود که فلانی این‌گونه رفتار کند»، «حق با شماست»، «سعی کن طرفدار حق باشی» و... گاهی هم از حقوقی سخن می‌گوییم، که مراعات آن‌ها به لحاظ قانونی یا اخلاقی لازم است. مثل حق پدر و مادر، حق استاد، حق همسایه، حق خدا بر انسان، حقوق متقابل انسان‌ها نسبت به هم، حق مالکیت، حق شهروندی، حق آزادی بیان، حقوق حیوانات و امثال این‌ها.

این طیف گسترده و متنوع از استعمال واژه حق، کمی گیج‌کننده و مبهم است. به همین دلیل، اگر از یک آدم عادی در کوچه و خیابان بپرسید تعریف دقیق حق چیست، با وجودی که خودش مفهوم آن را درک می‌کند، اما احتمالاً نمی‌تواند پاسخ روشنی به شما بدهد، اما به‌راستی حق چیست؟ چه ارتباطی با مباحث انسان‌شناسی دارد؟ و شناختن آن از چه جهاتی مهم است؟

حق یکی از اصطلاحاتی است که هم در حوزه تعلیمات دین و هم در حوزه اخلاق، حقوق و سیاست به کار می‌رود. در برابر پرسش به‌ظاهر ساده حق چیست، با دو مجموعه از پاسخ‌ها مواجهیم، که بر معانی متفاوتی از حق دلالت می‌کنند؛ یکی مفهوم «حق بودن» و دیگری مفهوم «حق داشتن».

حق در معنای اول در مقابل باطل قرار می‌گیرد و وقتی می‌گوییم چیزی حق است، یعنی درست و صحیح است و همانی است، که شایسته است و باید باشد، اما حق در معنای دوم در مقابل تکلیف قرار می‌گیرد و به معنای برخورداری از امتیازی است، که یا وجدان جمعی انسان‌ها آن را محترم می‌شمارد، مثل حق پدر و مادر و حق استاد و یا قانون آن را به رسمیت می‌شناسد و از حمایت‌های قانونی و قضایی برخوردار است. مثل حقوق شهروندی و حق مالکیت. ما در این مقاله به مفهوم اول می‌پردازیم.

یعنی امری که صحیح و درست بوده و کاملاً منطبق و هماهنگ با ریاضیات خلقت و ریاضیات نفس انسان است. البته به مفهوم دوم حق، یعنی چیزی که بر گردن انسان است و برای او تکلیف ایجاد می‌کند هم در آینده اشاراتی خواهیم کرد.

اهمیت شناخت حق

دلیل پرداختن ما به مفهوم حق چیست؟ پرداختن ما به مفهوم حق صرفاً یک تلاش واژه‌شناسانه و تئوری برای افزایش اطلاعات نیست، بلکه به دلیل اهمیتی است، که این موضوع در زندگی دنیایی و آخرتی‌مان دارد؛ چون همان‌طور که قبلاً گفتیم، میزان سنجش اعمال ما در آخرت بر اساس «حق» است.¹ یعنی هرکس حق بیشتری را در دنیا کسب کرده باشد و زندگی‌اش بیشتر با معیارهای حق هماهنگ بوده باشد، ترازوی اعمالش در آخرت سنگین‌تر است و هرکس که با حق فاصله بیشتری داشته باشد، ترازوی اعمالش سبک‌تر و به اصطلاح دستش خالی‌تر است.

درواقع حق در آخرت، حکم حساب بانکی در دنیا را دارد. همان‌طور که حساب بانکی پُرتر در دنیا به معنای ثروت بیشتر است، در آخرت نیز هرکس با حق تناسب بیشتری داشته باشد، ثروتمندتر و دارا تر از سایر افراد است، اما این حق چیست و چگونه و با چه معیارهایی سنجیده می‌شود؟

حق درواقع به معنای امری است، که صحیح و شایسته است و باید این‌گونه باشد؛ به‌طور مثال، حق این است که ما به بدن‌مان رسیدگی کنیم و با تغذیه سالم و ورزش آن را سرپا و شاداب نگه داریم، حق این است که در برابر زحمات دیگران از آن‌ها تشکر و قدردانی کنیم، حق این است که در صورت ضرر داشتن آب برای بدن، به‌جای غسل و وضو تیمم کنیم، حق این است که خیال‌مان را پاک نگه داریم و نگذاریم تغذیه بیش از حد خیال در جنبه‌های حیوانی، جلوی رشد و تغذیه فوق‌عقل را بگیرد، حق این است که غذای بخش انسانی‌مان را، که همان خلوت و ارتباط با خداست، در اولویت برنامه‌ها مان قرار دهیم و نگذاریم

¹ « وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ؛ میزان [سنجش اعمال] در آن روز حق است» سورة اعراف، آیه 7¹

روح‌مان گرسنه و ضعیف بماند. مثال دربارهٔ رعایت حق در جنبه‌های مادی و معنوی فراوان است و قطعاً شما هم می‌توانید تعداد زیادی از این مثال‌ها را به فهرست بالا اضافه کنید.

اما پردازیم به مهم‌ترین جنبهٔ حق، به‌عنوان متر و میزانی که ابزار سنجش اعمال انسان‌ها در آخرت است.

تعریف حق با استفاده از قانون نسبت

برای آن که بدانیم حق چیست و چگونه در آخرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، لازم است یک‌بار دیگر به [قانون نسبت](#) و رابطهٔ بین دنیا و آخرت رجوع کنیم. گفتیم که رابطهٔ بین دنیا و آخرت مانند رابطهٔ رحم مادر با دنیاست. پس از آن که جنین از شکم مادر متولد می‌شود، دنیا بلافاصله او را مورد محاسبه و سؤال قرار می‌دهد و میزان تطابقش با حق را می‌سنجد و حق چیست؟ حق در دنیا به معنای هماهنگی جنین با تمام میزان‌ها و ریزمیزان‌هایی است، که برای یک زندگی راحت و بی‌دردسر در دنیا نیاز دارد؛ از سلامت چشم و گوش و دست و پا گرفته تا جزء به جزء بافت‌ها و اندام‌های داخلی. اگر این اندام‌ها تماماً سالم و مطابق با شرایط زیستی دنیا باشند، یعنی نطفهٔ جنین در رحم به حق بسته شده و دوران رحمی را به‌درستی و آن‌گونه که شایسته بوده، سپری کرده است.

همین قاعده در مورد آخرت هم برقرار است. یعنی همان‌طور که [میزان سنجش اعمال جنین](#) در دنیا بر اساس حق است، میزان سنجش اعمال ما در آخرت هم بر اساس حق است. حق در آخرت به چه معناست؟ حق در آخرت به معنای تطابق و هماهنگی نفس با ویژگی‌ها و شرایط زیستی آخرت است. به این معنا که هر چقدر کسی در دنیا پیوند قوی‌تری با حق داشته و خودش را بیشتر با معیارهای حق تطبیق داده باشد، نفس یا همان قلبش در آخرت سالم‌تر و برای استفاده از نعمت‌های بهشت آماده‌تر است و هر چقدر کسی در دنیا از حق فاصلهٔ بیشتری گرفته باشد، قلبش بیمارتر و درد و رنجش در آخرت بیشتر است.

درواقع کسی که در دنیا بر اساس معیارهای حق زندگی نکرده، مثل جنینی می‌ماند که یک یا چند عضو از بدنش به‌درستی و آن‌گونه که شایسته است، شکل نگرفته؛ اما این ناشایستگی زمانی به‌طور کامل بروز می‌کند، که جنین از رحم خارج و وارد محیط دنیا شود.

باتوجه به این نکات بهترین کار در دنیا پایبندی و التزام به حق است.^۲ زیرا التزام به حق تنها چیزی است، که باطن ما را متناسب با شرایط زیستی ملکوت شکل می‌دهد، اما برای التزام به حق اول لازم است حق را به‌درستی بشناسیم و کسب این شناخت هم کار آسانی نیست؛ چون همیشه باطل‌هایی هستند، که خود را شبیه حق جلوه می‌دهند و چه بسا خیلی از اعمالی که دل‌مان را به آن‌ها خوش کرده‌ایم و گمان می‌کنیم بر اساس حق‌اند و ذخیره آخرت‌مان می‌شوند، کاملاً بر مدار باطل باشند، ولی ما متوجه این موضوع نشویم و عمری خودمان را با اعمال بیهوده و باطل سرکار بگذاریم! پس برای آن که بدانیم در هر زمینه‌ای حق چیست و باطل کدام است، الگو و مصداق عینی لازم داریم، یعنی حق باید به‌طور کامل در چیزی یا کسی جلوه کند، تا مرز دقیق آن با باطل قابل تشخیص باشد.

مصداق حق چه چیزها و چه کسانی هستند؟

بالاترین مصداق حق که درواقع جامع همه مصداق حق است، خود خداوند است. خداوند در اوج شایستگی قرار دارد و ذات مقدس او بزرگ‌ترین حقیقت غیرقابل انکار در هستی است. حق درواقع یکی از اسماء الهی است و بسیاری از اوقات ما خدا را با همین نام یعنی حضرت حق یا حق تعالی صدا می‌زنیم. بعد از خداوند بالاترین مصداق حق قرآن^۳، دین اسلام^۴ و معصومین

ج ۱، ص ۸۱۷ امام علی (علیه السلام): «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ لِرُؤْمِ الْحَقِّ» غررالحکم، 2

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ» سوره مائده، آیه 48

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» سوره فتح، آیه 28

(علیهم‌السلام) هستند. در واقع این‌ها سه ضلع یک پیکان‌اند، که ما را به سوی حق راهنمایی می‌کنند و هر کدامشان حذف شوند، کار شناخت حق و حرکت در مسیر حق دشوار می‌شود، یا بهتر است بگوییم غیرممکن می‌شود.

قرآن کتاب حق است و علاوه بر این که از مهم‌ترین غذاهای بخش فوق‌عقلانی ماست، حاوی فرمول‌ها و قواعدی است که حق را معرفی و کار شناخت آن را آسان می‌کند؛ بنابراین یکی از میزان‌هایی که برای شناخت حق حتماً باید به آن التزام داشته باشیم، مطالعه دقیق و مستمر قرآن است، اما قرآن به تنهایی برای شناخت حق کافی نیست؛ چون فقط فرمول‌های کلی را بیان می‌کند و وارد جزئیات نمی‌شود، در حالی که بیشتر اشکالات ما در تشخیص حق و باطل در امور جزئی و روزمره زندگی اتفاق می‌افتد، نه امور کلی؛ به‌طور مثال، خیلی از اوقات ما بین انجام دو عمل خوب مردّد می‌شویم و نمی‌توانیم تشخیص دهیم کدامشان حق است و شایستگی بیشتری دارد و چه بسا بر اثر همین ناآگاهی عملی را انتخاب کنیم، که اگرچه به‌ظاهر حق است، اما انجامش در آن لحظه و آن موقعیت اصلاً به صلاح نیست، پس ما در کنار قرآن به الگویی عملی نیز احتیاج داریم که سبک زندگی، رفتارها و سخنانش کاملاً بر محور حق بوده و از هرگونه خطا و اشتباه مصون باشد و این الگوی عملی، همان‌طور که قبلاً گفتیم معصومین (علیهم‌السلام) هستند، که در واقع امامان حق و مصداق عینی صراط مستقیمند.

در این درس با تعریف حق آشنا شدیم. دانستیم که حق چیست و شناختش چه لزومی دارد. قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) را نیز به‌عنوان دو رکن از مهم‌ترین مصادیق حق معرفی کرده و لزوم تبعیت از آن‌ها را بیان کردیم. یکی دیگر از مصادیق باقی ماند و آن دین اسلام به‌عنوان دین حق است. در این رابطه نیز در آینده به تفصیل صحبت خواهیم کرد.